

استیصال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک!

سوسال امپریالیسم؟ پاسخ ما به این سؤال منفی است. هر که چنین بیندیشد نتوانسته است کنه حقیقت موجود را دریابد. زیرا که رزمندگان در حقیقت به تز سوسال امپریالیسم و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی در این زمینه حمله میکنند و نه به پیکار. و ما این را در خلال این نوشته قدم به قدم دنبال خواهیم کرد.

اکنون با بدید بر خورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسال امپریالیسم شوروی نشان چیست؟ بنظر ما اگرخواهیم در توضیح این مسئله تحلیل خود را محدود به نشریه شماره ۳۳ رزمندگان بنمائیم، هرگز نخواهیم توانست به درک عمیقی از مسئله برسیم. از اینرو باید اندکی به عقب برگشت و از گذشته دورتری این مسئله را مورد بررسی قرار داد:

گسترش مبارزه طبقه‌ای در درون جامعه ما طی سالهای ۵۶ و ۵۷ که منجر به قیام بهمن ماه ۵۷ گردید، وادامه اعتلای انقلابی در دوره پس از قیام، دوره جدیدی از مبارزه طبقه‌ای را با صف بندی جدیدی از نیروهای طبقه‌ای بوجود آورد. اگر در دوران رژیم مزدور شاه و دیکتاتور خشن موجود رکود و عدم تحرک طبقات در جنبش، طی دوران طولانی ای با عت آن گشته بود که صف طبقات مختلف خلقی جامعه بصورت فشرده در کنار هم بشد و این صفوف از یکدیگر متمایز نگردد، اما گسترش مبارزه طبقه‌ای و تحولات سیاسی ناشی از آن و بویژه سرنگونی رژیم شاهان، نمیتوانست صف این طبقات را بطور روشن از یکدیگر جدا ننماید. این صف بندی جدید طبقه‌ای، انعکاس خود را نیز در نیروهای جنبش کمونیستی باقی میگذاشت و بنا گذرگر ایشات ایدئولوژیک گوناگونی را در این نیروها بوجود آورد و با تشدید نمودن هر یک از آنها را بسوی منافع طبقه‌ای خاص خویش سوق داد. در غلطیدن سازمان جریکهای فدائی خلق (اکثریت) به دام رویزیونیسم، در افتادن "اتحادیه کمونیستها" به دام اپورتونیسم و گرایشات آشکارا رویزیونیستی راه کارگر، گواها برای این حقیقت است.

بدین ترتیب با پیوستن فدائیان (اکثریت) به رویزیونیسم و در غلطیدن اتحادیه کمونیستها به دام اپورتونیسم، صف رویزیونیستها و اپورتونیستها در درون جامعه تقویت گشت، تا آنجا که موج گرایشات رویزیونیستی، دامنا بر نیروها را نیز در بر گرفت. تزلزلات و انحراف رویزیونیستی که در برخورد به سوسال امپریالیسم شوروی در اواخر

نگاهی به برخورد رزمندگان نسبت به پیکار در مورد مسئله سوسال امپریالیسم

زمن به مبارزه ایدئولوژیک بر متن مبارزه طبقه‌ای پرولتاریاست و هر نوع مبارزه ایدئولوژیک که در خدمت برآورده نمودن تمایلات روشنفکرانه ناسال و مگروه گرایانه قرار گیرد و بدتر از آن جو سال مبارزه ایدئولوژیک را در جنبش کمونیستی آلوده و تیره نماید، نه تنها در جهت حل معضلات و تشتت ایدئولوژیک جنبش نیست، بلکه به آن بطور جدی آسیب میرساند. ما آموخته ایم که با ضعفهای خود و دیگران برخوردی انقلابی داشته باشیم. ما آموخته ایم که مبارزه ایدئولوژیک را بر متن مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا به پیش بریم و آرا بسویله ارضای تمایلات روشنفکرانه خویش تبدیل ننمائیم و هم اکنون نیز می گوئیم تا با رعایت این اصل که خود بدان معتقدیم، به مضمون **و شکل** مبارزه ایدئولوژیک رفقای رزمندگان که در نشریه اخیر (شماره ۳۳) آنها آمده است، برخورد نمائیم.

برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوسال امپریالیسم

شاید خواننده از ما سؤال کند که مگر مقاله رفقای رزمندگان با عنوان "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک...." خود نشان دهنده آن نیست که هدف این رفقا در این مقاله، برخورد به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار راست و نه مسئله

"بسیار خوب آزادی در شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردیست فقط با بدید برخوردی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد نافرمانندانه فرق گذاشت".
 لنین - کائوتسکی مرتد
 "اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است. صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از اظهار صریح (و غیر صریح - پیکار) نویسنده نوشته، یعنی اتکا به واقعیت، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک علاوه بر آنکه مربوط به انگیزه در مبارزه ایدئولوژیک میگردد، حقیرانه و مذبحانه برخورد نکردن (و نه تنها این، بلکه غیر کمونیستی و غیر سیاسی و به سبک روشنفکرانه برخورد نکردن - پیکار) را در بر میگیرد". (تاکیدات از ما است) ■
 رزمندگان شماره ۳۳

شاید خواننده با تعجب بپرسد عجب! شما نقل قولهای را که رفقای رزمندگان علیه شما بکار برده اند، نقل کرده اید. مگر انتقاد آنها را به خود قبول دارید؟ بدون تردید نه! آنچه که در اینجا حائز اهمیت است اینست که آنچه را که رزمندگان بدرستی ذکر میکنند (چه از لنین و چه خودشان)، با بدید موزده که خود نیز بکار برده، شیوه برخورد ما دقتا نه و شرافتمندانه را برای دیگران پسندیدیم، اما خود بکار نریستیم، یک شیوه بورژوازی و غیر کمونیستی است. این همان شیوه ایست که رفیق ما ثوربار آن میگوید: ما رکیسیم را برای دیگران پسندیدیم و لیسیرالیسم را برای خود. رفقای رزمندگان گوئی شیوه برخورد ما رکیستی را در مبارزه ایدئولوژیک فراموش کرده اند. ذکر نقل قولهای رزمندگان در مورد شیوه مبارزه ایدئولوژیک که درست و برحق است، شاید بتواند آموزشی باشد برای خود رزمندگان که آنرا فراموش کرده است!

هر کمونیستی که ذره ای صداقت انقلابی داشته باشد (تکبیه میکنیم حتی ذره ای) نمیتواند آنچه را که رزمندگان در شیوه برخورد به مبارزه ایدئولوژیک علیه ما (و جنبش کمونیستی) صورت داده است، محکوم ننماید، ساکت بماند و خم به ابرو نیاورد. چه هر کمونیستی که تشنه وحدت جنبش کمونیستی است، نیک میداند که شرط چنین وحدتی، دامنا ■ - از این پس همه تاکیدات از ما است.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

سوسیال امپریالیسم از سوی رفقا، حقیقت دارد و با صرفاً مورد ادعای پیکار است؟ زمین را برای رشد گرایشات سالم تقویت نمود و برای بسیاری از اعضا و هواداران رزمندگان که فاقد چنین گرایشی بودند، ضرورت موضعگیری انقلابی بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم مطرح گردید.

۴ - سازمان رزمندگان را نیز وادار به تغییر

رزمندگان که متأسفانه دیرآغاز زگشت (این خود جدا از وجود انحراف است و نه در سازمان ما نبود که البته این تا خرید درش این تزلزلات در رزمندگان نیز بی تا شمر نبوده است)، ضربه کوبنده ای بود علیه این تزلزلات، تزلزلاتی که میتوانست دامنگیر سایر نیروهای جنبش کمونیستی و سویزه آنها که به نقش ایدئولوژی کم بها میدهند نیز بشود.

سال ۵۸ در رزمندگان پدیدار گشت، نمونه ای از این گرایشات بود. ایجاد شک و ابهام در باره سوسیال امپریالیسم از طرف رفقای رزمندگان در آن دوره، ضمن آنکه رویزونیستها را خوشنود میساخت، نمیتوانست برای جنبش کمونیستی زیان آورنده باشد. چرا که این حرکت جدید در صدد آن بود که با ایجاد شک و ابهام مدبر خوردیه مقوله سوسیال امپریالیسم، آنرا از مرزها و اصول جنبش کمونیستی و معیار وحدت خارج سازد. رزمندگان از همین دوره بعد است که معتقد میشدند سوسیال امپریالیسم جزواصول جنبش کمونیستی نبوده و معیار وحدت نمیتواند باشد (مراجعه کنید به رزمندگان شماره ۵).

همانطور که میدانیم! این انحراف محدودیه رزمندگان نگردید و دیدیم که چگونه این تزلزلات و انحراف حتی برخی از نیروها را به زیر پا گذاشتن اصول کثا نیدوبه سمت خویش جذب نمود. آنجمله است سرنوشت گروه "اتحاد میا رزه در راه آرمان طبقه کارگر" که بر حسب اصول را در مورد مقوله سوسیال امپریالیسم به زیر پا گذاشت و حاضر به وحدت ایدئولوژیک (بخوان سازش ایدئولوژیک) با جریانهای گردیده که سوسیال امپریالیسم را ملاک وحدت و از اصول جنبش کمونیستی نمیدانست. در همین رابطه مستکبری برخی دیگر از گروهها نظیر گروه "سرد"، "بیکار خلق"، "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" و... جهت وحدت با رزمندگان نمیتوانست زمینه های هر چه سنگینی برای کسرتش و تقویت این انحراف در جنبش کمونیستی فراهم آورد که خوشبختانه این نیروها در برخورد عمیقتر و نزدیکتر با رزمندگان، به درک درستی از این نیرو و مواضع آن نایل آمده و نه تنها حاضر به سازش ایدئولوژیک و زیر پا گذاشتن اصول و خلاصه وحدت با رزمندگان نشدند، بلکه بر عکس با مرز بندی با تزلزلات و انحراف رزمندگان (و البته نه فقط در این زمینه) به مبارزه ایدئولوژیک علیه گرایشات رویزیونیستی و تروتسکیستی رزمندگان برخاستند.

آیا براستی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعاً پیکار برای "درمان شهید داشتن متحد طبیعی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله نابودی فیزیکی آنرا بهمان کشیده است؟ و آیا نتیجه منطقی چنین اتهامی این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟! آفرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک!!

جهت تشدید افشاکاری علیه سوسیال امپریالیسم نمود (البته با درکی که خود رفقا از آن دارند و ما آنرا قبل از توضیح داده و با زهم خواهیم داد).

اینها نکاتی مثبتی بود که مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی بدان دست یافت و طبیعتاً انتظار میرفت که رفقای رزمندگان نیز با یک شیوه برخورد کمونیستی به اصلاح گرایشات رویزیونیستی تروتسکیستی خویش بپردازند. همه منتظر یا سخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما مان زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک..." جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود. برخلاف انتظار، رزمندگان در برخورد به این مسئله، با بکار گرفتن شیوه برخورد غیر کمونیستی، غیر رفیقانه و از آنهم بدتر غیر سیاسی در مبارزه ایدئولوژیک، بجای پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما و دیگران، به فحاشی علیه ما پرداخت و بدین ترتیب گوشتید:

اینک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ایران متحداً به مبارزه علیه هر گونه تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم برخاسته بود. بویژه آنکه سازمان ما چه بلحاظ برخورد همه جا نه تر و بردمادی بیشتر مبارزه ایدئولوژیک و میسران تا شیران در جنبش، ضربه شکننده ای برای تزلزلات و انحراف رویزیونیستی وارد آورد. به همین ترتیب موضع گیری سازمان ما در برابر سوسیال امپریالیسم در کناره خیر برای جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش بیکران) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استقبال آنان قرار نگیرد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزیونیستی شان نمی توانستند از این موضع گیری، غمگین و افسرده نباشند!

- ۱ - از موضعگیری آشکار در مقابل مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما در این باره طفره برود.
- ۲ - به بیانه حمله به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار، دستاورد مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی را در برخورد به این تزلزلات و انحراف مورد حمله قرار دهد.
- ۳ - اعضا و هواداران خویش را متقاعد سازد که در عرصه این مبارزه ایدئولوژیک، حق به جانب است و این پیکار است که به اتهامزنی دروغ پردازانه، داستان سازی و... می پردازد!
- ۴ - و بالاخره همچنان بر سر تزلزلات و انحراف رویزیونیستی خویش، بصورت زیرکانه ای با فشاری نماید و حتی آنرا تعمیق نماید!

- ۱ - باعث آید دیده تر شدن و استوار گشتن بخش بیکر جنبش کمونیستی بر سر مقوله سوسیال امپریالیسم گردید.
- ۲ - تزلزلات و انحراف رویزیونیستی در این باره را که آشکارا در حال رشد بودند، به عقب راند و موقتاً این گرایشات را در لاک خود بست. بطوریکه راه سکوت را در برابر این مبارزه ایدئولوژیک و بجای برخورد با آن برگزیدند و این خود نشانه "ضعف" و "عقب نشینی" حاملین این گرایشات بود.
- ۳ - در درون جریان متزلزلی که از طریق ایجاد اینها موشک به نگی سوسیال امپریالیسم میپرداخت، یعنی رزمندگان (و میدواریم که رفقای رزمندگان از این عبارت دچار آشفتگی نشوند و اندکی حوصله بخرج دهند، چرا که در همین نوشته خواهد دید که آیا نگی

اگرچه مبارزه ایدئولوژیک این گروهها علیه انحراف رزمندگان بویژه در برخورد به سوسیال امپریالیسم برای جنبش کمونیستی ایران امیدبخش بود، اما بلحاظ محدودیت توان عینی و ذهنی اینان در کسرتش مبارزه ایدئولوژیک علیه انحراف رزمندگان و محدودیت بردمادی این مبارزات ایدئولوژیک نمی توانست تا شایر کافی و همه جا نبیسه ای در شکستن این تزلزلات و انحرافات داشته باشد (روشن است که بهیچوجه منظور کم اهمیت جلوه دادن مبارزه ایدئولوژیک این گروهها با رزمندگان نیست، بلکه سخن بر سر میزان تا شیران بدلیلی است که از آنها نام بردیم).

مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما علیه تزلزلات و گرایشات رویزیونیستی و تروتسکیستی

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ما در این نوشته میکوشیم آنچه را که در بالا گفتیم مورد بررسی قرار داده و آنرا صرفاً در حد "احکام کلی" نگانها نداریم. بنا بر این ما نوشته اخیر رزمندگان را در دو بخش مورد بررسی قرار میدهیم:

الف - شیوه برخورد رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک و رابطه آن با گرایش رویزیونیستی و تروتسکیستی این رفقا.

ب - مضامین نوشته رزمندگان، چه آنها که بصورت سؤال از ما مطرح شده و چه آنها که خود این رفقا در دفاع از خویش مطرح کرده اند.



شیوه برخورد خرد بورژوائی رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک

گفتیم هر کس نوشته اخیر رزمندگان (شماره ۳۳) را مطالعه کند، با نا باوری از خود میبرد چرا رفقای رزمندگان این چنین غیر رفیقانه و غیر کمونیستی برخورد می کنند؟ چرا با کینه و لعن و نفرین به پیکار برخورد میکنند؟ مگر پیکار دشمن طبقاتی رزمندگان است؟ و بالاخره این سؤال را از خود میکنند چرا رزمندگان از برخوردی به انحرافات خود طفره رفته است؟

بنظر ما پاسخ روشن است، علت نوع برخورد رزمندگان عبارتست از استیمال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک. جنبش کمونیستی، انحرافات رویزیونیستی رزمندگان را به انتقاد کشیده و محکوم ساخته است، لیکن رزمندگان بدلیل همان انحراف رویزیونیستی خود شیوه نا سالم در مبارزه خود را در نیست به مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی پاسخ پرولتری ارائه دهند.

رزمندگان از جواب روشن و صریح به مبارزه جنبش کمونیستی طفره میروند و این نشان ضعف و عقب نشینی رزمندگان است. رزمندگان به فحاشی دست میزنند، اما این برخورد را استیمال ایدئولوژیک نشئت میگیرد. جنبش کمونیستی، رزمندگان را با خطر مواضع انحرافاتیشان در قبایل رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به انتقاد کشیده است، اما رفقای رزمندگان بدلیل همان انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی تروتسکیستی و عدم انتقاد پرولتری از مواضع خود قادر به پاسخگویی صریح و کمونیستی نمی باشند. جنبش کمونیستی جای حساس را نشان رفته است و به این دلیل رزمندگان فغانش در آمده و با هیاهو و ناشکیبائی به دفاع از خویش برخاسته است.

کرده باشد، درخواهد یافت که این شیوه خاص مبارزه ایدئولوژیک رزمندگان است. متأسفانه رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه زو زو نیز آنرا لود - تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود امر تازه ای نیست. این سیاست، ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاه می به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان میدهد. رزمندگان در نشریه شماره ۸ خویش در تحلیل از برخورد سازمان ما نسبت به مسئله قطع رابطه هیئت خاکمه ایران با آمریکا در مقاله ای تحت عنوان: "پیکار: اجتناب از مبارزه طبقاتی" مینویسد:

"اکنون بنظر میرسد که این سازمان پیکار است که با اعلامیه شماره ۶۷ خود: "قطع رابطه آمریکا با ایران و موضع هیئت خاکمه... استین بالازده است از فروری توهم توده ها و انفراد هیئت خاکمه جلو گیرد. ساده پنداری سازمان پیکار... بر راستی رفقا، ساده پنداری ما با عسکرت گشته تا به کمک هیئت خاکمه ارتجاعی بشناسیم! آنکه ما "استین بالازده ایم"؟ آیا ما نیروی ضد انقلابی و رویزیونیست می باشیم که "استین بالازده" تا جلوی انفراد هیئت خاکمه و فروری توهم توده ها را بگیریم؟ چه ما معتقدیم اپورتونیستها و بطور مشخص رویزیونیستهای اکثریت و حزب توده امروز "استین بالازده" تا از فروری توهم توده ها و انفراد هیئت خاکمه جلو گیری نمایند. ممکن است موضع گیری سیاسی نیروی عملاً به چنین نتیجه ای منجر شود، اما این غیر اصولی است که گفته شود این نیرو "استین بالازده" است. رزمندگان در همان مقاله در ادامه برخورد توهین آمیز و غیر سالمش به تمسخر و تحقیر سازمان ما می نشیند و با طعنه میگوید:

"بورژوازی لیبرال بخشا مرتجع" را به بورژوازی لیبرال "مترقی شده..." (همانجا) و با مطرح میکند که:

"اعلامیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که بیشتر به نشریات و نظرات سازمان مجاهدین" مانند است تا یک سازمان م. ل." (همانجا).

رفقای رزمندگان، سبک شما در مبارزه ایدئولوژیک آیا موازین کمونیستی را رعایت می کند؟ رفقا جواب بگوئید در کجا سازمان از بورژوازی لیبرال بخشا مترقی نام برده است؟ آیا برای شما روشن نیست که سازمان ما در آن موقع که به بورژوازی لیبرال "بخشا مرتجع" معتقد بود بخش دیگر بورژوازی لیبرال را ضد انقلابی میدانست. آیا این مسئله با صراحت تمام در مقاله زیگزاگها و سایر نوشته های ما منعکس نیست؟ شما ما را متهم به دروغ پردازی و تحریف می کنید، ولی خود قضاوت کنید چه کسی چنین می کند؟ بر راستی رفقا، اعلامیه ما بیشتر به نظرات مجاهدین شبیه است تا به نظرات یک سازمان

ما رکیستی؟ با کدا مسند و درک و توضیح و مقایسه این را نشان دادید؟ بد نبود مقایسه ای بین اعلامیه سازمان و مجاهدین میکردید تا حکمتان شایب شود. آیا این شیوه برخورد صادقانه و کمونیستی است؟ آیا با بکار بردن کلمه تمسخر آمیز بورژوازی "بخشا مترقی" طرفی میتوان بریست؟ میتوان به مقصودنا ثل گشت؟ آیا این شیوه برخورد تمسخر آمیز و نا سالم را ارضاء می کند؟ آیا شما می پندارید میتوان با تحریف نظرات دیگران، با زخم زدن زدن، برخورد تحقیر آمیز و نا سالم، معضلات جنبش را حل نمود؟ نه، هرگز! این شیوه برخورد غیر کمونیستی جز ضربه زدن به جنبش کمونیستی نتیجه دیگری ندارد. رفقا آیا شیوه کار شما ما رکیسم را برای دیگران پسندیدن و لیبرالیسم را برای خود پسندیدن نمی باشد؟ آیا با چنین برخوردهائی "سهم عمده در رشد مبارزه ایدئولوژیک جنبش" داشته اید؟

رزمندگان حتی به این شیوه برخورد پسندیده نمی کند و در جای دیگری نویسد:

"پیکار برای درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما یعنی خرده بورژوازی سنتی مرفه از دم تیغ انقلاب... نابودی فیزیکی را بمان میکند."

(رزمندگان ۲۰، مقاله اسطراب)

آیا بر راستی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعاً پیکار برای "درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله نابودی فیزیکی آنرا بمان کشیده است؟ و آیا نتیجه چنین آنها می این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟! آخرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک!! رزمندگان چه خوب از لتین نقل می کند:

"سپا خوب آزادی شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردی است، فقط باید برخورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد نا شرافتمندانه فرق گذاشت."

ایکاش رزمندگان خود چنین شیوه ای را فراموش نمیکرد!

رزمندگان در جای دیگر در رابطه با نظرات ما در مورد مبارزه با داری وابسته می نویسد:

"اگر واقعاً پیکار در این زمینه ها تحلیلی فراهم کرده است، نیک است که آنها را در سطح جنبش منتشر سازد تا جریاناتی مانند ما از ضلالت و گمراهی نجات یابد و به طریق مبین رهنمون شوند! حتی اگر تحلیل ها در سطحی نیستند که قابل انتشار باشند، بجا است که رفقای پیکار آنها را لا اقل در اختیار ما بگذارند تا از انحراف! رهیخته شویم. آنطور که از نوشته های پیکار بر ما پدید پیکار هیچ تحلیل مشخصی از این موضوعات ندارد و بلکه بر روی هوا سقف میزند."

رزمندگان میگوید با بد تحلیل داد:

"نه اینکه با حدس و فرض پیشگویی نه ورمالانه به غلط در پس ظاهر مواضع، غولهای بی شناخ و دم ردیف کرده و بزور حدس و تقریب نسبتها شی را وارد کرد". (شماره ۲۲).

آیا برآستی رزمندگان با بکا ربردن و نسبت دادن الفاظی مانند "رمالانه" و "پیشگویی نسه" ردیف نمودن غولهای بی شناخ و دم، سقف زدن روی هوا، برخورد کمونیستی و رقیقا نه میکند؟ آیا رزمندگان آنچه شایسته شیوه برخورد است یعنی متانت و پرولتری را در مبارزه ایدئولوژیک خویش رعایت میکنند؟ واقعیت این است که چنین نیست.

آری این واقعیتی است که جنبش کمونیستی نیز به آن اذعان دارد. البته پرواضح است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک

رابطه مستقیمی با انحرافات ایدئولوژیک آنان ندارد. هر کسی بجز این فکر کند به کجراه افتاده است. گرایش تروتسکیستی در این رفقا نمیتواند انحراف چپروانه و ناسالم را در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان بیارنیاورد. بعد از کنگره گذشته رزمندگان و رشد گرایش تروتسکیستی - رویزیونیستی در برخورد به سوسیال امپریالیسم ساخت جا معه، قدرت سیاسی، وحدت و...، ایس گرایش انحرافی نمی توانست در شیوه مبارزه ایدئولوژیک نیز بروز نماید. این شیوه مبارزه ایدئولوژیک، شیوه ای سکتاریستی (گروه گرایانه) و روشنفکرانه است. و در خدمت وحدت جنبش کمونیستی نمیشد. و با لعکس در جهت به آنتا گونیسم کشیدن کاذب مبارزه ایدئولوژیک قرار دارد. چنین است که میگوئیم شیوه برخورد رزمندگان در نوشته اخیرش را نباید پدیدیده جدید و غریبی دانست. چه ادا مه منطقی برخوردهای انحرافی رزمندگان، چنانچه اصلاح نمی گشت (که نگاشته است) ناگزیر بیدینجا کشیده میشد که در برخورد اخیرش مشاهده میکنیم. آنچه در برخورد اخیر رزمندگان نا زگی دارد، همانا عمق یا بی بیش از بیش گرایش انحرافی اوست (و البته نه فقط در شیوه، بلکه در مضمون نیز این انحرافات تشدید شده است).

اکنون به بررسی شیوه برخورد رزمندگان در نشریه شماره ۳۳ رزمندگان "بهردایم، تا عمیق تر شدن انحراف بورژواشی رزمندگان را نشان دهیم.

رزمندگان درس شیوه مبارزه ایدئولوژیک می دهد

در نوشته اخیر، رزمندگان مدعی است که به تز سوسیال امپریالیسم شوروی اعتقاد دگامل دارد و بیکار به دروغ میگوید که رزمندگان این تز را قبول ندارد. سپس در زدمدعای بیکار از برنامه سازمان خویش نقل میکند که ضمن آنکه درون رزمندگان دو نظریه وجود دارد "ما موضع سازمان، سوسیال امپریالیسم میباشد." و باز اضافه میکند که: "دادمقاله خود بنام "راه کار گرد فاع روبریونیستی از ما رکسیم " صحبت از: "کلیه دست اندکاران ما برای افغانستان اعم از

سوسیال امپریالیستهای روسه... "کرده ایم و در آخرین مقالات خود "لهستان، کارگران بر علیه رویزیونیسم" و درباره اتحاد عمل، در مورد سوسیال امپریالیسم سخن گفته ایم و بالاخره رزمندگان جمع بندی میکنند که بیکار دروغ میگوید و "شیوه مبارزه ایدئولوژیک بیکار را نتساب دروغ و سفاهت به دیگران و سپس رد آن است." (رزمندگان شماره ۳۳) سپس رزمندگان با ذکر نقل قول لنین که میگوید: ".... با بد برخوردی جدی و شرافتمندان به مطلب را با برخورد ناشر افرتمندان فرقی گذاشت." در پی آن است که به خواننده القاء کند که شیوه برخورد بیکار را شرافتمندان نه است و در ادامه "موزش" مبارزه ایدئولوژیک بما، میگوید:

"اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از اظهار صریح (و ما اضافه میکنیم همچنین از اظهارات غیر صریح - بیکار) نویسنده نوشته یعنی اتکا به واقعیت... (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان شیوه برخورد مارانه تنها نا شرافتمندان میخوانند، بلکه "دروغین"، "فاقد صداقت انقلابی"، "حقیرانه"، "مذبوحانه برخورد کردن" و "ناشی از انحراف انگیزه ای" در مبارزه ایدئولوژیک میخوانند و برای آنکه برای خواننده سوء تفاهمی پیش نیاید توضیح میدهد که: "ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک بر سر سوسیال امپریالیسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رقیقا نه و غیر کمونیستی مسائل را در جنبش طرح نمائیم که فقط باعث سردرگمی میشود. (مثل انتسابات رفقای بیکار بما). (همانجا).

معنای حرف رزمندگان چیست؟ مضمون این حرف بدان معنی است که اولاً خود رزمندگان شیوه برخورد رقیقا نه و کمونیستی در پیش میگیرند و مخالف شیوه غیر رقیقا نه است (البته لابد همین آخرین مقاله از نظر رزمندگان برای جنبش کمونیستی نمونه شا هکاری از شیوه برخورد کمونیستی است!) و ثانیاً بیکار با این شیوه برخورد غیر کمونیستی و غیر رقیقا نه که در شماره ۷۰ سوسیال امپریالیسم قلم زده است با انتساب ناروا به رزمندگان فقط به ایجا د سردرگمی کمک کرده است.

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسد، ۷۰ شماره بی در پی مبارزه ایدئولوژیک بیکار بر سر تز لولت رویزیونیستی رزمندگان را داستا ن سرائی و تئوری با فی بوجی میخوانند که بیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند: "و پس از این، داستا ن سرائی و تئوری با فی بوجی را آغا ز کرده است تا مگر بیدینوسیله وجود رویزیونیسم در ما وانکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تاکتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک بیکار را داستا ن سرائی و تئوری با فی میخوانند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به ردت

سوسیال امپریالیسم نپرداخته است و طرح آن از جانب بیکار از جمله دروغ گوئی، ها و داستا ن سرائی - های بیکار است.

رزمندگان بیکار را متهم به شایعه پراکنسی میکنند، چرا که بزعم وی بیکار رسندی در نشان دادن "ردت سوسیال امپریالیسم از جانب رزمندگان" ارائه نکرده است. او میگوید:

"بنا بر این، بیکار با استناد به کدام تحلیلی با کدا م بررسی ارائه شده از طرف ما اظهار میدارد که ما سوسیال امپریالیسم را رد کرده ایم؟ و آیا این توسل به شایعه پراکنسی در مبارزه ایدئولوژیک چه معنائی دارد؟" (همانجا) و همچنین میگوید تا به خواننده نشان دهد که: "ما هم بنوبه خود از مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی و درباره تاکتیک و استراتژی پرولتاریای جهانی استقبال میکنیم و بدان خواهیم پرداخت."

و باز با زبان بی زبانی میگوید که دلخوری خویش را از این "شیوه" مبارزه ایدئولوژیک بیکار نشان دهد، چه بلافاصله ما فیه میکند:

"اما این مبارزه تنها زمانی میتواند سودمند و مفید باشد (ما تند مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های دیگر) که انگیزه آن نمایان ساختن راه صحیح پیروزی پرولتاریا باشد و در صورت است که برده کلی گوئی ها و اظهار نظر های فیلسوف ما با نه و در عین حال کودکانه کنا رفته و واقعیت پدیده ها خود را نشان میدهد." (همانجا).

رزمندگان با ناراحتی میپرسد که چرا ما در یکجا به پذیرش سوسیال امپریالیسم از طرف رزمندگان اذعان داشته ایم و جای دیگر به رد آن پرداخته ایم (بیکار ۶۹ و ۷۰ را مقایسه میکند) و چنین شیوه برخوردی را از طرف بیکار نه تنها کمونیستی نمیداند، بلکه شیوه دشمنان کمونیستها میداند:

"چرا بیکار برای مبارزه با ما ابتدا موضعی دروغی و خود ساخته را به ما منسوب میکند و سپس به رد آن میپردازد، این شیوه یعنی انتساب دروغ و سفاهت به دیگران و سپس رد آن شیوه کمونیستی نیست" و "فقط از دشمنان کمونیستها بر می آید." (همانجا)

بدنبال آن رزمندگان ضمن سمیان کشیدن "۱۵۰ سال مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی" که خود را نیز "وارث آن میدانند معتقد است:

"دومین کاری که بیکار کرده است یعنی پس از دورغ نخستین، انتساب سفاکت به مخالف خود است. این سفاکت اعتقاد داشتن به نظام تولیدی جدید است." (همانجا).

رزمندگان سپس با اعتراض به این برخورد بما "میا موزد" که:

"تعیین موضعی سفاکت آمیز که مبتنی به فروریختن ما تریالیسم تاریخی و منطق کا پیتال مارکس و امپریالیسم لنین میباشد برای دیگران و سپس رد آن چیزی است که لنین درباره اش میگوید: (وجه خوب، گوئی

رفقای پیکار را در برابر خود دارد" نسبت دادن یک سفاقت آشکار به مخالفین خود و سپس رد آن شیوه افرادی است که چندان عقل درستی ندارند" (لنین، کاتوتسکی مرتد) (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان بما "درس مبارزه ایدئولوژیک" میا موزد، امیکوید و اما عقل چندان درستی نداریم و ثانیاً مبارزه ایدئولوژیک بین ما و خودشان همچون مبارزه ایدئولوژیک بین کاتوتسکی و لنین است و ما همچون کاتوتسکی به مخالف خود انتساب سفاقت میدهم و رزمندگان همچون لنین به رد این شیوه میپردازد!

غیررفیقانه و غیرکمونیستی" بنام ایدئولوژی رزمندگان برای وارد آوردن دومین ضربه (اولین ضربه را موقع همتان کردن پیکار رو کاتوتسکی "بی عقل" بزم خویشتن وارد آورد) میکوشد همزمانی خائنانه ضد انقلابی "حزب رنجبران" را با پیکار نشان دهد! و میگوید: "بیهوده نیست که رنجبران رگان سهجانی ها در شماره ۱۰۲ خودکلی باقی های پیکار را بر علیه ما نقل میکند، آنقدر کلی باقی که رنجبران این سرخست ترین مبلغ سوسیال

شماره ۱۰۲ - پیکار شماره ۶۹) (همانجا) آیا واقعاً رزمندگان مبنای متدولوژیک پیکار را همچون سهجانی ها میدانند؟! آیا این همان شیوه برخورد ما کما و لیستی رویونیستهای اکثریت نیست که برای تخطئه م. ل. ها میگویند: "سهجانی ها میگویند "سوسیال امپریالیسم" شما (منظور م. ل. ها است) میگویند "سوسیال امپریالیسم"، بین شما و آنها هیچ تفاوت کیفی در عمل وجود ندارد" (نقل بمعنی از کارلسلسه

ما نمونه های متعددی را از اینگونه برخورد - های رفقای پیکار داریم که نه تنها از موضعی اصولی اجتناب نموده، بلکه به طرز ساده لوحانه بود رویونیستها خاتمه یافته است."

و بعداً زدکرا دله و امثله های که بزم خود، نشانها ده لوحی پیکار در مبارزه ایدئولوژیک است، میکوشد "سومین مشخصه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک" را که همانا به همه چیز تا ختن، بدون اینکه درک عمیق و دقیقی از مسائل داشته باشد را نشان دهد، بزم رزمندگان اظهار نظری پیکار خواننده را از پرمداغی "حیرت زده میکند و آنگاه رزمندگان به فکر فرو می رود که چرا:

"رفقای پیکار با ایدئولوژی ایدئولوژیک مثل دن کیشوتی که فقط با اوها و موخیلات خود به جنگ می رود، تا این حد اعتبار و ارزش مبارزه ایدئولوژیک را، آنهم با توسل به دروغ و انتساب سفاقت و اظهار نظرهای که جدا انسان را به فکر فرو میبرد (مثل نمونه - های که گفتیم) پایشن بیاورند" (همانجا) والبتہ معطل نمی ماند و "عجالتاً" یک علت ذکر میکند (تا بعد) و آنهم این است که:

"پیکار خود را نیروی تعیین کننده جنبش کمونیستی میدانند، پس باید در باره همه چیز اظهار نظر نماید، حتی اگر هیچگونه دلیلی برای آن ارائه ننماید... بهمین علت رفقای پیکار بدون اینکه کوچکترین تلاشی در توضیح دقیق تر سوسیال امپریالیسم، بررسی شرایط تاریخی پیدا بشود، مرز بندی آن با سهجانی و غیره کرده باشند، ترحیح میدهند که ابتدا آن را بمتابه! صلی الهی و آسمانی بابک قضیه اصولی هندسی پذیرفته و سپس دیگران را - که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این نژاد دارند - به رد آن متهم نموده... و منشی کلیات را بر سر آنها بکوبند" (همانجا)

البته رزمندگان "تاما ما با استناد به نقل قول و سند و مدرک" این حدسیات خود را در مورد علت این نوع برخورد پیکار و اعتقادش به "الهی بودن این نژاد... ثابت میکند، چه رزمندگان "عادت" ندارند که "اشها میزند"، "دروغ بگوید" و "برخورد

همه منتظر پاسخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان مادا من زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود."

امپریالیسم سهجانی هم آنها را بستید و ترحیح داده است از زبان پیکار شما جمله کند تا پیکار را نیز تلویحاً تا شید کرده باشد. رفقا! شیوه خوبی است! بالا چهار رنعل به پیش! (همانجا)

رزمندگان اولاً با مبارزه ایدئولوژیک که "معمول" خود اوست، نشان داد که حزب رنجبران، پیکار را تلویحاً تا شید می کند! و ثانیاً پیکار چهار رنعل به پیش سمت حزب رنجبران میتازد! (همزمانی پیکار و رنجبران در جمله به تزلزلات رزمندگان نیز گواه این واقعیت است!!)

واقعاً که چه نیک است بین برخورد شرافتمندانه و کمونیستی و برخورد غیر شرافتمندانه - فـرق گذاشتن! آیا این شیوه استدلال رویونیستهای خائن حزب توده و شرکا نیست که مرتباً به م. ل. ها گوشزد میکردند: امپریالیسم غرب، شوروی را تجا و زکا روتوسعه طلب و امپریالیست میدانند، شما نیز همان آنها امپریالیست ها را میزنید، چه فرقی بین شما و امپریالیستها است؟ (نقل به

معنی از بسوی حزب) و یا: رژیم جلاد شاه، نیز دشمن سرخست حزب توده است، شما (منظور کمونیستهاست) نیز با حزب توده دشمنی و عناد می ورزید! آیا این نشانه همزمانی شما با رژیم نیست؟ (نقل بمعنی از همانجا). با جریکها نیز در دینظرات م. ل. ها در مورد بطلان مثنی تجریکی می گفتند: رفرمیستها و رویونیستهای مثنی جریکی را رد میکنند، شما نیز (منظور م. ل. ها است) چنین می کنید. آیا این نشانه ندهنده متدولوژی بکسان شما نیست؟ آیا این نشان نمیدهد که یک چیز را می گویند؟ آری رزمندگان که مخالف سرخست برخورد "غیر رفیقانه و غیر کمونیستی" است، شیوه برخورد رویونیستهای را در پیش گرفته است و برای تخطئه نظرات پیکار، میکوشد این نظرات را مبنای متدولوژیک سهجانی ها جلوه دهد! و بازمیگوید:

"بیهوده نیست که ما می بینیم اصول متدولوژیک پیکار را رنجبران شماره ۱۰۲ بعنوان مبنای مورد قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیالیال امپریالیسم تظاً هر پیدا کرده است" - رنجبران

شماره های مربوط به رد سوسیال امپریالیسم (آری، این است شیوه برخورد "رفیقانه و کمونیستی و شرافتمندانه" رفقای رزمندگان در ادامه تحلیل های "عمیق" و "مستدل" و "مستند" خویش میگویند:

"پیکار که شناخت مارکسیستی را اساساً از زاویه ای دیگری شناخت و معتقد به نوعی دیگر از شناخت است، برخلاف راه و رسم متداول در مارکسیسم استدعا حکم میدهد و بعد در بی اثبات آن است پیکار به شیوه ای اشرافی و افلاطونی بدون آنکه ذره ای جای بحث باشد میگوید: اگر سوسیالیسم نیست پس امپریالیسم است و انتظار دارد، خواننده نیز به سبک ایده آلیست ها بگوید: آری همین است. "این یا آن" شعار شناخت پیکار رنجبران است. وقتی پای تحقیق و تحلیل به پیش می آید برعکس با ساده لوحی و ندانم کاری آشکار میگوید: رویونیسم حاکم است پس سوسیال امپریالیسم است... پیکار با متدولوژی خود که عبارت است از تحلیل

مشخص لازم نیست: این یا آن... (همانجا) بسیار خوب! دیدیم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بدیگران و سپس رد آن"، بر اساس اظهارات صریح نویسنده و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملاً غیر مذبحانه و غیر حقیرانه جوهر تحلیل و شناخت پیکار را اثبات نمود! روشن شد که: الف - پیکار ذره ای جای بحث نمی بیند (نمونه ای از صداقت انقلابی رزمندگان). ب: شعار شناخت پیکار رنجبران با این و یا آن یعنی افلاطونی و اشرافی و بر پایه "ساده لوحی" پیکار، متدولوژی "تحلیل مشخص لازم نیست"، چنین است درس آموزی رزمندگان به ما در چگونگی مبارزه ایدئولوژیک و برخورد "کمونیستی و سیاسی" رزمندگان برای اینکه به ما "بیا موزد" که با بد نسبت به مسئله تحلیل داشت از ما می پرسد:

"آقایان با کدام تحلیل اینطور سخن می گویند: "تحلیل اولیه چین: تحلیل سهجانی ها؟ تحلیل بتلهایم؟ تحلیل آلبانی؟ تحلیل بورژوازی اروپا و آمریکا؟ (همانجا)

می بینیم، اما شما را رویونیست نمی دانیم. چه یک انحراف هنجاری جریان تمام عیار نیست. چیزی است که هنوز میتوانند اصلاح کردند (تقلیل بمعنی از انحراف آنرا کوسندیکا لستی در حزب ما - لندن) ما فدائیان (اکثریت) را رویونیست میدانیم، یعنی آنها مرتدگشته اند و دیگر جزو جنبش کمونیستی نیستند، اما شما دچار انحراف هستید، نکنند این بدیهیات را هم نمیدانید و یا بد

شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار محدود است - همانی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رنجبران میخوانند! این همه کینه توزی رزمندگان نسبت به تز سوسیال امپریالیسم شوروی (با به شیوه برخورد پیکار؟) ناشی از چیست؟ ترا بیعدالت توضیح میدهم. رزمندگان همچنان به برخوردهای "رفیقانه" "آموزشی"، "کمونیستی"، "مستند"، "مستدل"،

و آبرای رزمندگان روشن نیست که ما با تحلیل بورژوازی آمریکا و اروپا و سه جانی ها تز سوسیال امپریالیسم را قبول داریم یا با تحلیل دیگری؟! البته به رزمندگان ایراد وارد نیست اگر ندانند که تحلیل ما از سوسیال امپریالیسم منطبق بر نظرات آلبانی، بلشویسم و فرقهای مارکسیست لنینیست چین است تا نظرات دیگری، ولی آبرای رزمندگان واقعا نمی دانند که تحلیل ما با بورژوازی امپریالیستی آمریکا و اروپا و سه جانی ها فرق دارد؟ آیا برای کلبه کمونیستها حتی نیروهای مترزلی چون "راه کارگر" روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسیال امپریالیسم با تحلیل بورژوازی آمریکا و اروپا و سه جانی ها فرق دارد؟ بیرواضح است که نمایندگان بورژوازی آمریکا و اروپا در دفاع از امپریالیسم غرب، در سنگر رقابت با سوسیال امپریالیسم منظور تخطئه کمونیسم است که اصطلاح سوسیال امپریالیسم را یکبار میبرد. سه - جهانی ها نیز از موضع رقابت جوانه دو بورژوازی و در دفاع از امپریالیسم آمریکا و اروپا و در سازش با بورژوازی و از موضع ضد پرولتری اصطلاح سوسیال امپریالیسم را یکبار میبرند، آنها در دفاع از خزعبلات "امپریالیسم میرنده آمریکا" و "امپریالیسم بالنده شوروی" نشان میدهند که فاقد درک علمی از مقوله امپریالیسم که دوران میرندگی و گنبدیدگی سرما به داری است می باشند و "امپریالیسم بالنده" سه جانی ها همانی تز احمقانه ای است که منطبق بر ترهات رویونیستی کا ئوتسکی، مبتنی بر "اولترا امپریالیسم" است و این نظرا از لحاظ ایدئولوژیک نیز بر پایه خیانت به پرولتاریا و انقلاب و خدمت به بورژوازی است که به "سوسیال امپریالیسم" معتقد است. آیا مقایسه تحلیل ما از این مقوله با تحلیل بورژوازی آمریکا و اروپا و سه جانی ها "برخورد شرافتمندانه و صادقانه" است؟!

رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود امر تازه ای نیست این سیاست، ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاهی به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان می دهد.

البته بیرواضح است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک رابطه مستقیمی با انحرافات ایدئولوژیک آنان دارد. هر کسی بجز این فکر کند به کجراه رفته است. گرایش تروتسکیستی در این رفقا نمی تواند انحراف چپروانه و ناسالم را در سبک مبارزه ایدئولوژیک آنان بیار نیآورد.

آنها شما آموخت! یا آنکه میداندید و یا جنبش تحریف آشکاری میکوشید با مظلوم نمایی، بلکه برک برنده ای بدست آورد! رفقا! در خلال چند سطر چگونه "تحلیل" نمودید که شیوه بیگانه را شناخت مکانیکی است نه دیالکتیکی و آنرا مشخصا در مورد سوسیال امپریالیسم نشان دادید و می گوئید: پیکار مطرح میکند "ما میکوشیم سوسیال امپریالیسم پس مسئله روشن است تحلیل نمیخواهد... اگر چه شما کوچکترین تلاشی در جهت اثبات حکمتان با "دلیل"، مدرک و یا نگاه به "اظهارات صریح نویسنده (خودتان معتقدید که صداقت در مبارزه ایدئولوژیک یعنی این) صورت نداده اید، اما حرف خود را زده اید. رزمندگان با نقل قول از انگلس در مورد این امر که "ما رگس در نظر نداریم که چون این جریان رانفی در نفی مینامد، از اینرو میخواهد آنرا بعنوان ضرورت تاریخی به اثبات برساند" و ذکر این نکته که:

"لایسا بر مسائلی را که ما رگسیستها برای نخستین بار به آنها پرداخته اند، در واقع بطریق غیر علمی (از نظر پیکار) مورد مطالعه قرار داده اند" (همانجا) در حقیقت میخواهد با زبان بی زبانی بگوید مسئله سوسیال امپریالیسم مسئله ای نیست که ثابت شده باشد، بلکه مورد تحقیق است. چه، استنتاج میکند که پیکار همان برخوردی را که نسبت به سوسیال امپریالیسم میکند لایس نسبت به ما بر مسائلی که ما رگسیستها برای نخستین بار به آنها پرداخته اند، صورت میدهد، یعنی آنرا غیر علمی میدانند!

رفقا! چه می گوئید؟ نکنند خیال می کنید سوسیال امپریالیسم مسئله ای است که اثبات

"بدون تحریک"، "بدون دروغ پردازی" و... ادامه میدهد:

"نفی پیکار از زبیده در پیرو سه شناخت، نفی دیالکتیکی نیست، نفی ساده و مکانیکی است... پیکار در داخل لیکه هرگز یک تحلیل جدی، عمیق و اساسی را به جنبش کمونیستی ارائه نداده است، با اصرار تمام قریب میزند: "ما می گوئیم سوسیال امپریالیسم! این مسئله روشن است، تحلیل نمیخواهد. رزمندگان هم که میگویند تحلیل کنیم، رویونیست وجه سوسیال امپریالیست است! و این را میتوان در همه جا دید، در تاکتیک های مبارزاتی رزمندگان هم بعینت دید انحرافی در باره شوروی رویونیسم موجود است" است. "این است شیوه پیکار در تحقیق علمی و مطالعه مارکسیستی - لنینیستی پدیده ها هر چیز این نیست - آن است - تحلیل نمیخواهد متدولوژی متافیزیکی، نه دیالکتیکی." (همانجا)

پیکار در کجا گفته است سوسیال امپریالیسم تحلیل نمیخواهد؟ رفقا، شما خودتان می گوئید: صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی استناد به سند مدرک و نوشته صریح نویسنده، کجا پیکار گفته است رزمندگان چون میگویند تحلیل کنیم، رویونیست وجه سوسیال امپریالیست است! آیا این تحریف آشکار و مغرضانه نیست؟ از این مظلوم نمایی که گویا پیکار شما را "رویونیست" وجه سوسیال امپریالیست میدانند، چه سودی میرسد؟ ما معتقد نیستیم شما رویونیست و سوسیال امپریالیست هستید، این دروغ آشکار است، رجوع به نوشته های ما بهترین دلیل این امر است. ما در شما انحراف رویونیستی

رزمندگان گستاخی را به آنجا میکشاند که میگوید: "پیکار میگوید: "من همه چیز را میدانم" و وقتی دهانش را بازمیگردد فقط تکرار میکند سوسیال امپریالیسم است... خلاصه سوسیال امپریالیسم است چون سوسیالیسم نیست، دلایل: همان چیزهایی که هر روز میتوان در ستون روزنامه های جمهوری اسلامی، رنجبران و انقلاب اسلامی پیدا کرد. تحلیل: ژورنال امپریالیسم بورژوازی" (همانجا)

کافی است ذره ای صداقت در کار باشد، ذره ای متانت پرولتری در کار باشد، تا از این همه برخورد غیر سیاسی، ناهنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آیا هر خواننده ما دقتی آنچه را که پیکار تا کنون در تحلیل از سوسیال امپریالیسم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه های که در مورد شوروی نموده است، چه در وقایع و آثار هائی که از

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

با مسائل جنبش موفق میدانیم، رویزیو -
نیستهای جنبش هستیم. علت آنهم داشتن
اینها ماتی در مورد سوسال امپریالیسم
است." (هما نجا)

بدین ترتیب رزمندگان در چند سطر نشان
میدهد:

- ۱ - پیکار آنها دروغین میزند.
- ۲ - برایش مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد.

نشده است و برای نخستین بار با ایده آن پرداخت
رزمندگان برخورد ما را که رواج شک در مورد این
مسئله را برخورد غیر علمی میدانیم، همان برخوردی
میداند که لایده با برما شلی که نخستین بار به
آنها پرداخته میشود می کنیم. با زبانه این مسئله
در انتها خواهیم پرداخت.

رزمندگان آموزش را با تعریف و تمجید از
خود علیه ما بی پایان میبرد:

"چرا پیکار به مبارزه ایدئولوژیک مشخص ما
پاسخ نداده است، هر کس که یکبار نشربه
رزمندگان را خوانده باشد به نقض فعالی که
ما در مبارزه علیه رویزیونسم داشته ایم
پی میبرد... مبارزه ای که ما داشته ایم
تاثیر عمده ای را در رشد مبارزه ایدئولوژیک
در جنبش و طرح مسائل انقلاب داشته است."

و اضافه میکند:

"و از این جمله است برخورد های ما با سازمان
پیکار بر روی خلق و ضد خلق، جامعه سرمایه -
داری وابسته و... در همه این موارد پیکار
مسئله را با سکوت برگزارد میکند، ترجیح
میدهد مواضع خود را مثل لباس هر روز عوض
کند ولی بر سر آنها مبارزه ایدئولوژیک نکند
پیکار ترجیح میدهد بنا به میل خود ابتدا
اتهاماتی را بر بند و بعد از برپاسخ دادن
متقابل شانه خالی کند. برای پیکار مبارزه
ایدئولوژیک اهمیت ندارد. اظها بعضی
مواضع، بستن اتهامات دروغین بدگران
این است که اهمیت دارد، برای آنها هیچ
اهمیتی ندارد که جنبش کمونیستی بدانند که
آیا رفقای پیکار با لایحه بورژوازی ملی
و غیر وابسته و... در جامعه ما اعتقاد دارند
یا نه، مهم آنست که با بددگران را به هر
قیمت کوبید. ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک
بر سر سوسال امپریالیسم نیستیم، اما
مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رقیقانه
و غیر کمونیستی مسائل را در جنبش طرح
نمائیم که فقط باعث سردرگمی میشود (مثل
انتسابات رفقای پیکار ریمما) و ثانیاً مسائل
اصلی جنبش را مسکوت بگذاریم." (هما نجا)

سپس رزمندگان غرق در شرف، تعریف از خود
را به بدترین برخوردهای غیر سیاسی ممکنه
می کشاند:

"در حالیکه ما تا کنون اتحاد عمل را طرح
کردیم، دفاع از میهن را در کردیم (وجه
کارهای دیگر که نکردیم - پیکار)... پیکار
مشغول خاریدن سر خود بود، آنگاه پیکار
کجا بود تا کنون انقلاب دفاع کند که
حالا ناگهان بنظر آمده است ما که مبارزه
خود را با رویزیونسم علی الخصوص در رابطه

■ به همین ترتیب موضع گیری سازمان ما در برابر سوسال امپریالیسم در کنگره اخیر برای جنبش
کمونیستی ایران (و در اینجا بخش به گران) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد
استقبال آن قرار نگیرد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و
انحراف رویزیونیستی شان نمی توانستند از این موضع گیری غمگین و افسرده نباشند!

■ آما رزمندگان واقعا نمیدانند که تحلیل ما با بورژوازی امپریالیستی آمریکا و اروپا و
سه جهانی هافرق دارد؟ آیا برای کمونیست ها حتی نیروهای متزلزلی چون "راه کارگر"
روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امپریالیسم با تحلیل بورژوازی
آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟

- ۳ - برایش کوبیدن دیگران مهم است.
- ۴ - بطور غیر رقیقانه و غیر کمونیستی مبارزه
ایدئولوژیک میکند.
- ۵ - مسائل اصلی جنبش را مسکوت میگذارد.
- ۶ - پیکار در موقعی که رزمندگان مشغول
دفاع قهرمانانه از مارکسیسم بود، مشغول
سرخاریدن بود.
- ۷ - پیکار رزمندگان را رویزیونیست میداند.
- ۸ - رزمندگان کماکان در مورد سوسال
امپریالیسم ابهام دارد.
- ۹ - موضعش در مورد سوسال امپریالیسم حتی
بیشتر از پیکار روشن است.
- ۱۰ - پیکار دیگران (و از جمله رزمندگان را) که
درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این تر
دارند به رد آن متهم می کند.



آخرین آموزش رزمندگان در مبارزه
ایدئولوژیک با پیکار که "نا هکار" جنبش کمونیستی
است، این است که به پیکار روا مثال هم هشدار دهد:

"خشکی و جمودی تئوریک پیکار زنگ خطر
است که هرگاه بدان توجه نشود در غم نگرند
صدمات جدی ببار خواهد آمد... رفقای پیکار
با این شیوه برخورد در عمل (تا کنون) زخود
رزمندگان است) و برخلاف خواسته و نیات
خود راه را بر رویزیونسم می گشایند."

و اینچنین مسابقه با پان می یابند و
رزمندگان حریف را که مسائل "تا مربوط و دروغی"
را در باره تزلزلات رویزیونیستی رزمندگان
مطرح ساخته بود از دور خارج میکند. نتیجه: هم

شیوه برخورد مارکسیستی لنینیستی در مبارزه ایدئولوژیک چیست؟

گفتیم اگر مبارزه ایدئولوژیک بر متن سایر
اشکال مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جزئی از آن
نباشد، مبارزه ایدئولوژیک پرولتری نیست،
جدال روشنفکرانه است. اولین اصلی که در
مبارزه ایدئولوژیک باید همواره در نظر داشت،
استنتاج نکاتی است که نه در خدمت ارضای
تمايلات روشنفکرانه و تنگ نظران، بلکه در
خدمت گره کشایی از معضلات و مشکلات جنبش
کمونیستی و انکشاف مبارزه طبقاتی پرولتاریاست
این مبارزه در خدمت دفاع از با کیزگی مارکسیسم
لنینیسم میباشد. این مبارزه با نقد و طرد
انحرافات ایدئولوژیک غیر پرولتری، مواضع
پرولتری را تحکیم نموده و مبارزه پرولتاریا را
ارتقاء می بخشد. این مبارزه متین طبقاتی می-
کوشد تا بورژوازی، نمایندگان فکری آن و
ایدئولوژی او را بسخت شکست قطعی سوق دهد.
در مبارزه ایدئولوژیک، دونهوع انحراف
میتواند بروز نماید: انحراف راستروانه و
رویزیونیستی و انحراف چپروانه و روشنفکرانه.
انحراف نوع اول در کم بهادان به مبارزه
ایدئولوژیک، در دما سازی و سازش، در ارزیابی
راستروانه از عمق یک انحراف
ایدئولوژیک، در دیدن وحدت و ندیدن تفاو...

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خود را بروز میدهد. انحراف رویزیونیستی می -
کوشد تا بین ایدئولوژی پرولتاریا و ایدئولوژی
بورژوازی سازش دهد و متأفق پرولتاریا را قربانی
نماید. انحراف رویزیونیستی مبارزه ایدئولو-
ژیک را اخته میکند و برائش پرولتاریائی را از آن
میگیرد. این انحراف، شرایط تداوم انحرافات
غیرپرولتری را بوجود می آورد و زجرسته شدن
خط پرولتری مانع از عمل می آورد. انحراف
نوع دوم در شکل دیگری بروز می نماید: -
آنتاگونیسم کشاندن مبارزه ایدئولوژییک،
برخورد کینه توزانه، مغرضانه و منفعت طلبانه در
مبارزه ایدئولوژیک، بازی با الفاظ، تکیه برانی
تسخیر، سفسطه گری، زخم زبان زدن، تحقیر نمودن
و... از جمله مشخصات این انحراف روشنفکرانه
میباشد. نیروهای (بویژه در خارج از کشور) که
دغدغه فکری منافع طبقاتی پرولتاریا را ندارند
به این سبک از مبارزه ایدئولوژیک روی می -
آورند، آنان ساعتها به جدلهای روشنفکرانه
پرداخته می آنگه بخواهند گری از معضلات جنبش
و طبقه کارگر را بکشایند. این شیوه برخورد
تروتسکیستی، تارشیستی، سکتاریستی و
آنتاگونیستی میباشد. این انحراف بسرا
مفلوب کردن حریف به تحریف و وارونه جلوه
دادن حقایق میپردازد. این انحراف در واقع
بیک سبک مبارزه ایدئولوژیک بورژوائی روی
می آورد. بنظر ما رفقای رزمندگان دچار چنین
سبکی در مبارزه ایدئولوژیک میباشند. آنان می -
کوشند با تحریف مسائل و حملات غیررفیقانه خود
را محق جلوه دهند.

نمی توانند با یکدیگر همان برخوردی را بنمایند
که با اپورتونیستها، رویزیونیستها، بورژوازی
و کلیه دشمنان طبقه کارگر صورت میدهد. اگر
مبارزه ایدئولوژیک ما با نیروهای رویزیونیست
آنتاگونیستی است، این امر ناشی از آنست که
دوا ایدئولوژی آنتاگونیستی یعنی مارکسیسم
لنینیسم و رویزیونیسم در برابر هم قرار گرفته اند
آری پیگیری در مبارزه علیه انحرافات و در همان
زمان رعایت متانت پرولتری در مبارزه ایدئو-
لوژیک از شروط اولیه مبارزه ایدئولوژییک
پرولتری میباشد.

**■ کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به شیوه پرولتری برخورد کنند. کمونیستها فراموش
نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین،
رفیقانه و وحدت طلبانه است، چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پرولتاریست و وحدت طلبانه است،
وحدت طلبانه است. آنان مبارزه می کنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه باشیوه های
تروتسکیستی نقش وحدت را نادیده بگیرند و صرفاً مبارزه را ببینند.**

**■ کافی است ذره ای صداقت انقلابی در کار باشد، ذره ای متانت پرولتری در کار باشد تا از
اینهمه برخورد غیرسیاسی، ناهنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آیا هر خواننده
صادق آنچه را که به کار تاکنون در تحلیل از سوسیال امپریالیسم گفته است رچه در برخورد
به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هائی که در مورد شوروی نمود
است، چه در وقایع و آمارهائی که از شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار محدود
است - همانسی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رنجبران
می خوانند؟!**

روشن است که آنچه برای کمونیستها اهمیت
حیاتی دارد مضمون مبارزه ایدئولوژیک است.
اما اگر شیوه مبارزه ایدئولوژیک انحرافی و
تروتسکیستی باشد این انحراف مضمون مبارزه
را تحت الشعاع خود قرار میدهد. برخورد شرافت -
مندانه و صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک
هرگز نباید تحت الشعاع منافع محدود و تنگ -
نظرانه قرار گیرد. برخورد شرافتمندانه و صادقانه
در مبارزه ایدئولوژیک یعنی "اتکا به نوشته و سند
و کشف انحراف". و این سبک مبارزه ای است که
ما در برخورد به رفقای رزمندگان رعایت نمودیم
مبارزه ما متکی بر "نوشته و سند" رزمندگان بوده
و انحراف رویزیونیستی آنان را بصراحت اثبات

معروف "مح گیری" و "بل گیری" نمودن، متاسفانه
رفقای رزمندگان به این شیوه دست بازیدند و
بجای انتقاد از خود کمونیستی، بی پروا و با
شهامت به پرده پوشی انتقاد پرداخته و در پی
آن نیستند تا عمق انحراف رویزیونیستی را
بر ملا کرده و زمینه طرد آنها مهیا نمایند و روشن
است هرگاه به بررسی ریشه ای انحراف و علل
بروز آن پرداخته شود و هرگاه در طی مبارزه
ایدئولوژیک، نوع و مضمون انحراف مشخص
نگردد، بیمه از مریضی نجات نخواهد یافت. عدم
برخورد کمونیستی و طبقاتی به انحرافات
زمینه گندیگی و پوسیدگی را مهیا می سازد.
(ادامه دارد)

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست